



گزارش ویژه

هیدروپلیتیک ارس - کورا (کُر)

فرصت‌ها و تهدیدهای دیپلماسی آبه آذربایجان بر امنیت آبه ایران

بیت‌المصطفی



شناسنامه نشریه



■ صاحب امتیاز ناشر: اندیشکده زاویه

■ سردبیر: حمید خوش‌آیند

■ مدیر اجرایی: دکتر طاهره پورغلامی

■ حروف‌چین و صفحه‌آرا و طراح جلد: مرضیه روشن‌روان

■ ناشر: اندیشکده زاویه

■ سال انتشار: زمستان ۱۴۰۴

■ شمارگان: انتشار محدود



کلیه حقوق این اثر متعلق به اندیشکده زاویه (مطالعات حوزه قفقاز جنوبی، ترکیه، روسیه، کریدورها و انرژی) است. این گزارش حاصل پژوهش‌های میدانی و تحقیقی کارشناسان و خبرگان مسائل منطقه است و لزوماً به معنای دیدگاه این مرکز نیست.

فهرست مطالب



۱. ابعاد ساختاری و بحران وابستگی فرامرزی ۶
۲. درهم‌تنیدگی بحران قره‌باغ و هیدروپلیتیک ۷
- ۲-۱. آب به مثابه هدف نظامی ۷
- ۲-۲. سارسنگ و ترور - آبی ۷
۳. دیپلماسی آب در سایه منازعه ۸
۴. هیدروپلیتیک فرامنطقه‌ای: همسویی با ترکیه و اسرائیل ۹
- ۴-۱. اهداف منطقه‌ای ترکیه ۹
- ۴-۲. نقش اسرائیل و فشار بر ارس ۹
۵. افق صلح: مزایای اقتصادی و مبادله انرژی در برابر آب ۱۰

دیپلماسی آب ایران و جمهوری آذربایجان؛ فرصت‌ها و تهدیدهای استراتژیک ۱۰

۱. فرصت‌ها: زمینه‌های همکاری و هم‌افزایی ۱۱
- ۱-۱. تکمیل و بهره‌برداری کامل از سدهای خداآفرین و قیزقلعه‌سی ۱۱
- ۱-۲. تبادل تجربیات در مدیریت منابع آب فراسرزمینی ۱۱
- ۱-۳. تشکیل جبهه مشترک در برابر تغییرات بالادستی ۱۱
- ۱-۴. همکاری در زمینه مقابله با تغییر اقلیم ۱۲
۲. تهدیدها: نقاط اصطکاک و چالش‌های ژئوپلیتیکی ۱۲
- ۲-۱. ریسک نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای ۱۲
- ۲-۲. عدم شفافیت در حوضه کورا (کُر) ۱۳
- ۲-۳. بالا رفتن حساسیت امنیتی در صورت عدم توازن قدرت ۱۳
- ۲-۴. گروگان‌گیری زیرساخت‌ها ۱۳

نتیجه‌گیری ۱۴

هیدروپلیتیک ارس - کورا (کُر) فرصت‌ها و تهدیدهای دیپلماسی آب آذربایجان بر امنیت آب ایران



جمهوری آذربایجان، به عنوان کشوری که در پایین‌دست حوضه‌های حیاتی کورا (کُر) و ارس قرار گرفته است، با یکی از پیچیده‌ترین معمای مدیریت منابع آب در منطقه قفقاز جنوبی مواجه است. دیپلماسی آب باکو، برخلاف بسیاری از کشورهای همسایه، صرفاً یک موضوع فنی یا زیست‌محیطی نیست، بلکه یک موضوع تمام‌عیار ژئوپلیتیکی است که به شدت با مسائل تمامیت ارضی، منازعات منطقه‌ای و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای درهم تنیده شده است. تحلیل جامع مدیریت آب در آذربایجان، نیازمند بررسی دقیق سه‌گانه «وابستگی فرامرزی»، «درهم‌تنیدگی با بحران قره‌باغ» و «معمای همکاری‌های دوجانبه» است.

۱. ابعاد ساختاری و بحران وابستگی فرامرزی

مدیریت منابع آب آذربایجان با چالش‌های ساختاری عمیقی روبروست. این کشور به شدت به منابع آبی فرامرزی وابسته است؛ به طوری که نزدیک به ۷۰ درصد از کل آب سالانه خود را از کشورهای بالادست دریافت می‌کند. این وابستگی، پاشنه آشیل سیاست آبی باکو است.

حجم کل جریان سالانه آب فرامرزی ورودی به این کشور حدود ۲۵.۰۳۸ میلیارد متر مکعب تخمین زده می‌شود که سهم عمده آن از گرجستان (۱۱.۰۹۱ م.م.م)، ایران (۷.۵ م.م.م)، و ارمنستان (۵.۰۹۷ م.م.م) تأمین می‌شود و بخش کمتری نیز از طریق رودخانه سامور از روسیه وارد می‌شود.

این وابستگی، تنها محدود به کمیت نیست و بحران کیفی را نیز به همراه دارد. کشورهای بالادست، به ویژه گرجستان و ارمنستان، آلاینده‌های صنعتی و فلزات سنگین را بدون تصفیه کافی وارد رودخانه‌ها می‌کنند. این آلودگی، نه تنها کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه منجر به بحران آب بهداشتی در باکو و دیگر مناطق داخلی شده است.

در سطح داخلی، علی‌رغم تدوین "کد آب" و امضای کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون هلسینکی، ساختار مدیریت منابع آب در آذربایجان همچنان چندپاره و غیرمتمرکز است که بر سر مدیریت آب‌های سطحی و زیرزمینی تداخل ایجاد می‌کند و اجرای مؤثر سیاست‌های آب یکپارچه را با مانع مواجه می‌سازد. در سطح منطقه‌ای، نبود یک پیمان چندجانبه و فراگیر برای مدیریت حوضه ارس - کورا (کُر)، هرگونه اقدام برای حل پایدار آلودگی و تقسیم عادلانه منابع را دشوار ساخته است.

۲. درهم تنیدگی بحران قره‌باغ و هیدروپلیتیک

در دیپلماسی آب آذربایجان، مناقشه قره‌باغ کوهستانی، قوی‌ترین عامل خارجی تأثیرگذار بوده است. تقریباً تمام وقایع مهم آبی در حوضه ارس-کورا (کُر) بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ مستقیماً با این مناقشه مرتبط بوده‌اند. این تنیدگی نشان می‌دهد که آب در این منطقه صرفاً یک منبع طبیعی نیست، بلکه یک ابزار استراتژیک نظامی و اقتصادی است.

۲-۱. آب به مثابه هدف نظامی

عملیات نظامی آذربایجان در سال ۲۰۲۰، به‌وضوح نشان داد که کنترل زیرساخت‌های آبی یک هدف استراتژیک در اولویت است. آرایش نظامی باکو به گونه‌ای بود که دو هدف اصلی را دنبال می‌کرد: رسیدن به سد ماداگیز در جبهه شمالی و سد ارس در جبهه جنوبی. سد ماداگیز، با تأمین آب رودخانه ترتر، برای آبیاری مناطق کشاورزی داخلی در سه فصل بهار، تابستان و پاییز حیاتی است. کنترل این سد، به معنای تضمین امنیت غذایی و بهره‌وری اقتصادی بخشی از منطقه آزادشده بود.

۲-۲. سارسنگ و ترور - آبی

در طول سال‌های اشغال، سد سارسنگ بر روی رودخانه تارتار، به کانون یک مناقشه هیدروپلیتیک تبدیل شد. این سد با ظرفیت ۵۶۰ میلیون متر مکعب، نه تنها منبع آبی مهمی برای پایین‌دست بود، بلکه ۴۰ تا ۶۰ درصد از برق مورد نیاز منطقه تحت کنترل ارمنستان را نیز تأمین می‌کرد. آذربایجان در پارلمان اروپا (سال ۲۰۱۵) با طرح خطر فرسودگی این سد، مدعی شد که

ارمنستان از سارسانگ به عنوان ابزار «ترور - آبی» علیه باکو استفاده می‌کند. همچنین، حدود ۸۳.۴ درصد از آب باکیفیت منطقه مورد مناقشه از منطقه استراتژیک گل‌بَجَر (سرچشمه رودخانه‌های ترتر و خاچن) تأمین می‌شود، که اهمیت حیاتی این مناطق را در پازل آبی منطقه دوچندان می‌کند.

۳. دیپلماسی آب در سایه منازعه

سازوکار هوشمندانه خداآفرین و قیزقلعه‌سی برای عبور از بن‌بست سیاسی همکاری آذربایجان با ایران بر سر سدهای مرزی خداآفرین و قیزقلعه‌سیدر حوضه ارس، نمونه‌ای از پیچیدگی دیپلماسی آب در سایه منازعه است. به دلیل تداوم مناقشه مرزی با ارمنستان توافق برای بهره‌برداری کامل از این سدها با تأخیر طولانی مواجه شد و در نهایت در سال ۲۰۱۶ به نتیجه رسید. شرط اصلی این توافق، مدلی هوشمندانه برای عبور از مانع سیاسی بود. تا زمان برقراری تمامیت ارضی آذربایجان، سهم باکو از آب سدهای مشترک پایین‌دست، معادل میزان آبی است که ایران از سدهای خداآفرین و قیزقلعه‌سی برداشت می‌کرد. نکته قابل توجه این است که سهم آذربایجان از برق تولیدی در این نیروگاه‌ها نیز طبق توافق تنها در خاک ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت. این سازوکار نشان‌دهنده یک راه‌حل دیپلماتیک عمل‌گرایانه برای مدیریت منابع مشترک در یک منطقه نظامی - سیاسی ناپایدار است.

۴. هیدروپلیتیک فرامنطقه‌ای: همسویی با ترکیه و اسرائیل

آرایش ژئوپلیتیکی آب در جمهوری آذربایجان به طور معناداری با منافع بازیگران فرامنطقه‌ای همسو است:

۴-۱. اهداف منطقه‌ای ترکیه

به نظر می‌رسد ترکیه در قفقاز نیز به دنبال تکرار مدل پروژه عظیم گاپ (GAP) در مسیر دجله و فرات است، که منجر به تحولات شگرفی در کشورهای پایین‌دست (عراق و سوریه) شد. تمایل ترکیه به اجرای پروژه‌های مشابه در مسیر رودخانه‌های ارس - کورا (کُر) و همچنین رودخانه‌های مرزی مانند چوروح با گرجستان، نشان‌دهنده استراتژی آنکارا برای تبدیل شدن به یک قدرت هیدرولوژیک محوری در قفقاز است.

۴-۲. نقش اسرائیل و فشار بر ارس

اسرائیل هم به دلیل نیازهای داخلی خود و هم به دلیل اعمال فشار آبی بر ایران، در پروژه‌های کشت فراسرزمینی در منطقه بيله‌سوار جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده است. این پروژه‌ها نیازمند استفاده بیشتر از آب رودخانه ارس برای تأمین کشت و صنعت هستند. این همسویی منافع، استراتژی دیپلماسی آذربایجان را در تعامل با ایران و سایر همسایگان خود پیچیده‌تر می‌کند.

۵. افق صلح: مزایای اقتصادی و مبادله انرژی در برابر آب

با وجود تمام تنش‌های ژئوپلیتیکی، داده‌های اقتصادی یک استدلال قوی به نفع حل دائم مناقشه قره‌باغ ارائه می‌دهد. حل کامل مناقشه می‌تواند برای هر دو کشور، سود اقتصادی قابل توجهی به همراه داشته باشد. ارمنستان می‌تواند هزینه‌های نظامی خود را تا سطح کشورهای در حال صلح (۲ درصد تولید ناخالص ملی) کاهش دهد و حدود سه درصد از تولید ناخالص داخلی را از طریق صرفه‌جویی در هزینه‌های محلی و سودهای بانکی، پس‌انداز کند. همچنین، امکان بازسازی خطوط لوله و واردات گاز از آذربایجان برای افزایش تولید برق فراهم می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) نیز می‌تواند ۳.۴ تا ۶.۰ درصد افزایش یابد.

برای آذربایجان، صرفه‌جویی اقتصادی تا ۲.۴ درصد از تولید ناخالص داخلی (از طریق کاهش بودجه نظامی و هزینه‌های مربوط به آوارگان) پیش‌بینی می‌شود و افزایش FDI می‌تواند به ۶.۰ تا ۱۰.۶ درصد برسد. مهم‌تر از همه، حل مناقشه، امکان مبادله استراتژیک "انرژی در برابر آب" بین ارمنستان و آذربایجان را فراهم می‌کند و بخش کشاورزی آذربایجان نیز به لطف دسترسی مطمئن‌تر به آب‌های شیرین، رشد قابل توجهی را تجربه کند.

دیپلماسی آب ایران و جمهوری آذربایجان؛ فرصت‌ها و تهدیدهای استراتژیک

مدیریت منابع آبی مشترک در حوضه‌های رودخانه‌ای ارس و کورا (کُر)، یکی از مهم‌ترین ابعاد روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان است. این روابط نه تنها تحت تأثیر جغرافیای هیدرولوژیک مشترک، بلکه به شدت تحت تأثیر دینامیک‌های سیاسی منطقه‌ای و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای قرار دارد.

۱. فرصت‌ها: زمینه‌های همکاری و هم‌افزایی

روابط آبی بین تهران و باکو، علی‌رغم چالش‌های سیاسی موجود، دارای پتانسیل‌های عملی برای همکاری استراتژیک است که می‌تواند منافع بلندمدت هر دو کشور را تأمین کند:

۱-۱. تکمیل و بهره‌برداری کامل از سدهای خداآفرین و قیزقلعه‌سی

تجربه بهره‌برداری و تقسیم منافع از سدهای مشترک در ارس، نشان می‌دهد که دو طرف می‌توانند در شرایط دشوار سیاسی، به یک توافق عملیاتی و فنی برسند. تکمیل ظرفیت تولید برق و توزیع عادلانه آب کشاورزی، پایه‌های همکاری بلندمدت را تقویت می‌کند. این همکاری عملی، اثبات می‌کند که ملاحظات حیاتی آبی می‌توانند بر تنش‌های سیاسی اولویت یابند.

۱-۲. تبادل تجربیات در مدیریت منابع آب فراسرزمینی

هر دو کشور با چالش‌های مدیریتی ناشی از توسعه پروژه‌های هیدرولیکی در بالادست (ترکیه و ارمنستان) مواجه هستند. ایران می‌تواند از تجربیات فنی آذربایجان در هماهنگی‌های منطقه‌ای استفاده کند، در حالی که آذربایجان می‌تواند از دانش ایران در اجرای اصول حقوق بین‌الملل آب در قبال طرفین ثالث بهره‌برد.

۱-۳. تشکیل جبهه مشترک در برابر تغییرات بالادستی

نفوذ فزاینده ترکیه در حوزه ارس - کورا (کُر) و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای توسط آنکارا، یک تهدید مشترک محسوب می‌شود. ایران و آذربایجان می‌توانند با هماهنگی و ارائه یک موضع واحد در مجامع منطقه‌ای، بر لزوم

رعایت اصول توسعه پایدار و تخصیص عادلانه منابع از سوی بازیگران بالادست تأکید کنند.

۴-۱. همکاری در زمینه مقابله با تغییر اقلیم

خشکسالی و فرسایش خاک، تأثیر مخربی بر اکوسیستم‌های آبی مشترک دارد. ایجاد سامانه‌های هشدار سریع مشترک برای سیل و خشکسالی، و تبادل داده‌های علمی در زمینه مدیریت منابع آبی، می‌تواند با هزینه‌ای کم، تاب‌آوری آبی هر دو کشور را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

۲. تهدیدها: نقاط اصطکاک و چالش‌های ژئوپلیتیکی

عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند ثبات همکاری‌های آبی دوجانبه را به خطر اندازند:

۲-۱. ریسک نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای

ورود نفوذ ترکیه به آب‌های ارس و کورا (کُر) و همچنین حمایت از پروژه‌های کشت فراسرزمینی اسرائیل در خاک آذربایجان (با استفاده از آب ارس)، موازنه قدرت آبی منطقه‌ای را به ضرر منافع بلندمدت ایران تغییر می‌دهد. اگر توسعه آذربایجان صرفاً مبتنی بر حمایت‌های خارجی باشد، ممکن است تعهدات بین‌المللی خود را در قبال ایران نادیده بگیرد.

۲-۲. عدم شفافیت در حوضه کورا (کُر)

در حالی که مذاکرات ارس تا حدودی مدیریت شده است، وضعیت حوضه کورا (کُر) که از گرجستان به آذربایجان وارد می شود، کمتر تحت نظارت دوجانبه ایران و آذربایجان قرار دارد. هرگونه پروژه بزرگ هیدرولیکی توسط ترکیه در این مسیر، می تواند بر جریان آب ورودی به گرجستان و آذربایجان و در نهایت بر تعادل اکوسیستم رودخانه تأثیر بگذارد که ایران نیز از آن متضرر خواهد شد.

۲-۳. بالا رفتن حساسیت امنیتی در صورت عدم توازن قدرت

پس از تغییر توازن نظامی منطقه ای به نفع آذربایجان، هرگونه اختلاف آبی جدی ممکن است سریع تر از گذشته به یک موضوع امنیتی تبدیل شود. در محیط جدید، آذربایجان ممکن است برای اهداف خود، در اجرای توافقات فنی آب سخت گیری بیشتری نشان دهد.

۲-۴. کروگان گیری زیرساخت ها

همان طور که در گذشته دیده شد، اجرای پروژه های حیاتی آبی به شدت وابسته به شرایط سیاسی دوجانبه است. بروز تنش های سیاسی جدید می تواند روند ساخت یا بهره برداری از زیرساخت های مشترک را متوقف کرده و موجب هدر رفت منابع شود، که این امر یک تهدید مستمر برای هر دو کشور است.

نتیجه‌گیری

تحلیل دیپلماسی آب جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد که منابع آبی در حوضه‌های ارس-کورا (کُر)، صرفاً یک عامل زیست‌محیطی یا اقتصادی نیست؛ بلکه به شدت با امنیت ملی، اهداف ژئوپلیتیکی و محاسبات استراتژیک منطقه‌ای در هم تنیده شده‌اند.

نقطه عطف عملیات ۲۰۲۰ در قره‌باغ، که در آن سدهایی چون ماداگیز به عنوان اهداف نظامی کلیدی هیدروپلیتیک هدف قرار گرفتند، اهمیت استراتژیک آب را به وضوح نشان داد. این امر تأییدی بود بر این نکته که کنترل منابع آبی بالادستی منطقه، به مثابه اهرمی قدرتمند برای تأمین امنیت کشاورزی و تحمیل اراده سیاسی است.

از منظر ابعاد فرامنطقه‌ای، الگوی توسعه آذربایجان تحت حمایت شرکای خارجی مانند ترکیه (با تجربه سدسازی عظیم گاپ) و اسرائیل (در حوزه کشت فراسرمینی)، یک تهدید ساختاری برای تعادل آبی سنتی منطقه، به‌ویژه برای ایران، محسوب می‌شود. این بازیگران می‌توانند با تقویت موقعیت آذربایجان در هیدروپلیتیک، موازنه قدرت در پایین‌دست ارس را تغییر دهند.

با این حال، بزرگترین فرصت برای برقراری ثبات بلندمدت، در مزایای اقتصادی عظیم صلح نهفته است. همان‌طور که مطالعات نشان می‌دهند، حل مناقشه قره‌باغ می‌تواند از طریق باز شدن کانال‌های تجاری و امکان مبادله حیاتی "انرژی در برابر آب" بین ارمنستان و آذربایجان، رشد چشمگیری در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کاهش هزینه‌های نظامی هر

دو طرف به همراه داشته باشد.

در روابط دوجانبه ایران و آذربایجان، موفقیت در بهره‌برداری از سدهای مشترک خداآفرین و قیزقلعه‌سی، یک الگوی عملیاتی برای مدیریت مشترک اختلافات فراهم کرده است. این تجربه باید به عنوان اهرمی برای تقویت همکاری‌ها در برابر تهدیدات بالادستی (به‌ویژه پروژه‌های ترکیه در کورا(کُر) و ارس) استفاده شود.

در نهایت، آینده دیپلماسی آب این منطقه به این بستگی دارد که آیا دو کشور می‌توانند منافع کوتاه‌مدت ژئوپلیتیکی را مدیریت کرده و بر مزایای بلندمدت اقتصادی و زیست‌محیطی همکاری‌های شفاف در حوضه‌های کورا(کُر) و ارس تمرکز کنند تا از تبدیل شدن منابع حیاتی به ابزاری برای تشدید تنش‌ها جلوگیری نمایند. تداوم مذاکرات فنی و تعهد به اصول هیدرولوژیک، تنها راه تضمین امنیت آبی پایدار برای هر دو ملت است.

